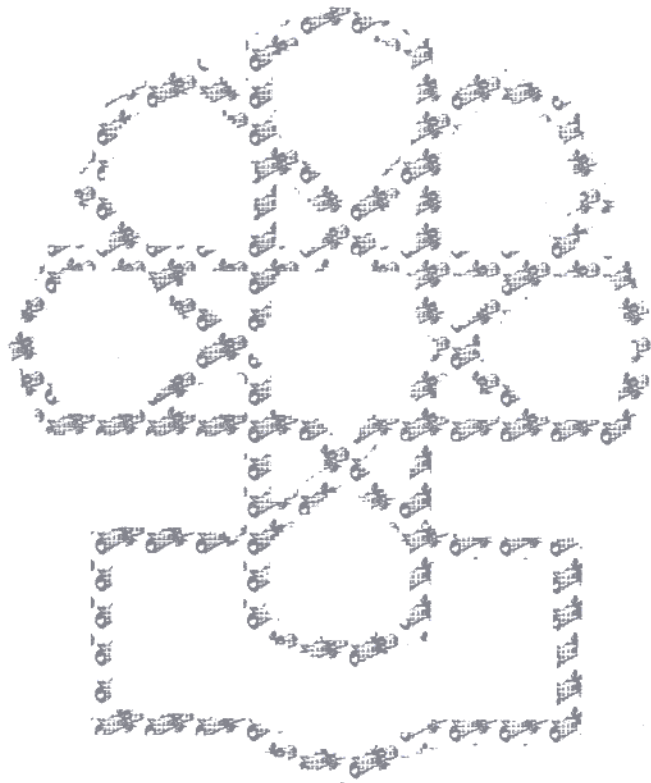


شهید بهشتی و حادثه هفتم تیر



معاونت پژوهشی
مرداد ۱۳۷۶

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۲۵۰۷

مرکز پژوهش‌ها
کتابخانه و واحد اسناد و ابانلامراسی فارابی
شماره: ۶۲۰۶
تاریخ: ۷۲/۵/۱۹

شهید بهشتی و حادثه هفتم تیر

کد گزارش: ۴۱۰۲۵۰۷

مقدمه

در تاریخ انقلاب اسلامی ایران روزهایی است که در تعیین خط‌مشی نهضت اسلامی و شناخت دوستان و دشمنان از اهمیتی به‌سزا برخوردارند. در این روزهای سرنوشت‌ساز مردمی که در پدید آوردن انقلابی شگرف و متکی بر اسلام پیشگام شده‌اند، درک جدید از خود و توانمندی‌ها و ضعف‌ها، حامیان نهضت اسلامی و معاندان آن را باز می‌شناسند.

حادثه هفتم تیر نخستین رویارویی جدی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با معاندان انقلاب بود. در این فاجعه خونبار گروه کثیری از مدیران کارآمد و مسئولان رده‌نخست مملکتی به شهادت رسیدند و با شهادت آنان مرزبندی‌ها مشخص شد. معاندان بدان امید بدین جنایت فجیع دست یازیدند که نهال به بارنشسته انقلاب اسلامی را از ریشه برکنند و نهضت را در آغاز راهیابی به گرداب نابودی در اندازند.

اما اراده‌خداوند بر این قرار گرفت که سفینه انقلاب اسلامی از گرداب حوادث به سلامتی ره به منزل ببرد و خدعه خصم نقش بر آب شد و به تعبیر زیبای خداوند در قرآن کریم:

«یریدون لیطفوء نورالله باقواهمم و الله متم نوره و لو کره المشرکون»

به هر تقدیر شهادت آنان ضایعه مؤلمی است که همواره گریبان جان دوستان انقلاب را گرفته و رها نمی‌کند و یاد جانسوز آنان و علی‌الخصوص سرور شهیدان این حادثه آیت الله دکتر بهشتی همواره روح مشتاقان انقلاب اسلامی را به درد می‌آورد. در این مختصر سعی بر بررسی و شناخت ابعادی از این حادثه خواهیم نمود.

فصل اول: شخصیت و سوابق شهید بهشتی

شخصیت و سوابق شهید مظلوم بهشتی در قبل از انقلاب اسلامی را شاید بتوان در دو سر فصل دسته‌بندی نمود

۱-۱- سوابق علمی

شهید بهشتی تحصیلات جدید را تا پایان سال دوم دبیرستان در اصفهان گذراند. به‌خاطر علاقه شدیدی که به علوم اسلامی داشت به حوزه علمیه اصفهان وارد شد و دروس علمی را تا اواخر سطوح عالی در همان حوزه خواند و سپس در سال ۱۳۲۵ راهی حوزه قم گردید و پس از طی یک سلسله برخوردها و آموزش‌ها در حضور مراجع عالی مقام با عده‌ای از فضیلات حوزه به درس خارج امام خمینی حاضر شد و در زمره شاگردان خوش فهم و برجسته ایشان قرار گرفت. ایشان همزمان با فراگیری دروس حوزی در علوم جدید

نیز تحصیل می نمود و پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ دانشنامه لیسانس و پس از آن در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ دکترای الهیات گردید. در کنار تحصیل، تدریس و کار آموزشی را نیز دنبال می نمود. به طوری که از سال ۱۳۳۰ و همزمان با اخذ درجه لیسانس، تدریس در دبیرستان های قم را شروع کرده و در سال ۱۳۳۳ دبیرستان دین و دانش قم را تأسیس کرد. از جمله خدمات فرهنگی ارزنده این استاد می توان «امکانات ایجاد و آموزش زبان و علوم روز برای فضلاء حوزه علمیه قم» را نام برد. مدرسه حقانی را در سال ۱۳۴۲ تأسیس کرد و به کمک جمعی از فضلاء حوزه علمیه اقدام به تشکیل گروه تحقیقاتی پیرامون حکمت در اسلام نمود.

در سال ۱۳۴۳ در تهیه برنامه جدید تعلیمات دینی برای مدارس شرکت کرد و یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۴ و پس از عزیمت به آلمان اقدام به بیان گذاری گروه فارسی زبان در انجمن اسلامی دانشجویان در اروپا نمود. کنفرانس های آموزشی و آگاهی دهنده ای که دکتر بهشتی از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۹ در مجامع دانشگاهی و کلیساهای آلمان برگزار می کرد از جمله اصیل ترین فعالیت های اسلامی وی بود.

سوابق مبارزاتی

زندگی دکتر بهشتی اساساً در مبارزه با ستمگران سپری شده است. در سال های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ در دفاع از نهضت ملی شدن نفت به رهبری آیت الله کاشانی و دکتر مصدق به همراه روحانیت مبارز از چهره های فعال و کارسازی بود که در به راه انداختن تظاهرات ضد رژیم در اصفهان نقش مهمی داشتند. مبارزات ایشان اساساً به دور از هو و جنجال و توأم با ارزیابی، بینش و آگاهی بود. از آغاز قیام امام خمینی در سال ۴۱ به همکاری جمعیت های مؤتلفه اسلامی برخاست و به عضویت شورای روحانیت آن انتخاب گردید. ایشان از عناصر اصلی تشکیل روحانیت مبارز تهران بود و در هدایت مبارزه در یکی دو سال قبل از انقلاب که اوج حرکت انقلابی و اسلامی مردم بود، در راهپیمایی ها و تظاهرات و تهیه اعلامیه ها و شعارها و سازماندهی به افرادی که این حرکت را به راه می انداختند فعال بود و نقش رابط مورد اعتماد و قوی بین امام و امت و همچنین رابط حرکت انقلابی مردم با فضلاء و طلاب حوزه های علمیه را به عهده داشت.

در تشکیل حزب جمهوری اسلامی از عناصر اصلی و فعال بود. ایشان در تمامی سال های قبل از انقلاب معتقد به ضرورت وجود تشکیلات و حزب بود و پس از پیروزی انقلاب جزء اولین کسانی بود که در این زمینه پیش قدم شد. در تشکیلات شورای انقلاب که از چند ماه قبل از پیروزی انقلاب به فرمان امام تشکیل گردیده ایفای نقش اساسی نمود و تا پایان کار شورای انقلاب در آن نقش و حضوری فعال و مثبت داشت. پس از آن نیز در تدوین قانون اساسی نقش محوری ایفا نمود پیش از آن نیز با مسئولیتی که از طرف حضرت امام به عنوان رئیس دیوان عالی کشور به وی تفویض شده بود عملاً نقش رهبری و هدایت قوه قضاییه و شورای عالی قضایی را به عهده گرفت و در هدایت دیگر قوه ها نیز طرف مشورت و تصمیم گیری حضرت امام (ره) بود. پس از عزل بنی صدر نیز در به روی کار آمدن دولت مکتبی نقش مؤثری ایفا نمود. به هر حال با توجه به تدبیر و درایت و وفاداری عمیق آیت الله بهشتی به مکتب اسلام و سوابق و تجربه ای که داشت می توان ایشان را از معدود عناصر اصلی تشکیل دهنده نظام اسلامی تحت رهبری امام خمینی (ره) به شمار آورد.

«بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد و خارچشم دشمنان بود».

«... آنچه که من راجع به ایشان متأثر هستم و شهادت ایشان در مقابل آن ناچیز است مظلومیت ایشان

(حضرت امام خمینی (ره))

بود...»

این نکته که مظلومیت شهید بهشتی از شهادت او بسیار مهم تر است، دقیق ترین نکته ای است که می توان در تحلیل فاجعه هفتم تیرماه مطرح نمود. چرا بهشتی مظلوم بود و اصولاً این مظلومیت از کجانشی می شد؟ علت مظلومیت شهید بهشتی این بود که با همه نقش صادقانه و مثبت و مفیدی که در هدایت حرکت انقلاب و دفاع از اصالت انقلاب داشت، بیشترین تهمت ها و نسبت های ناروا هم نثار او می شد. از بررسی مجدد در اوضاع و احوال و شرایط یکی دو سال پس از پیروزی انقلاب، می توان به نکات قابل توجهی دست یافت. یکی از شعارهایی که بر علیه شهید مظلوم دکتر بهشتی مطرح می شد و بسیار بر روی آن کار شده بود مسئله انحصارطلب بودن ایشان بود. این مسئله به حدی تبلیغ گردیده بود که متأسفانه حتی بعضی نیروهای مسلمان و انقلابی نیز به علت عدم درک صحیح از فعالیت های ایشان و حزب جمهوری اسلامی این شعار را البته کمرنگ تر از ضد انقلاب مطرح می نمودند.

امام خمینی (ره) در همان زمان در یکی از سخنرانی های ایشان در تشریح این مطلب این گونه فرمودند که:

«... آن طور نبود که اینها (منظور شهید بهشتی و شهدای هفتم تیرماه) واخورده باشند که بخواهند بیایند

اینجا انحصارطلب باشند. خدا انصاف بدهد به آنهایی که انحصارطلب بودند و می خواستند بهشتی،

خامنه ای، رفسنجانی و امثال آنها را از صحنه خارج کنند».

مسئله انحصارطلبی همواره یکی از حربه های تبلیغاتی و از زشت ترین و کریه ترین روش هایی است که برای از میدان به در کردن گروهی و یا فردی مطرح می شود. خود شهید بهشتی در یکی از مصاحبه های ایشان در این رابطه چنین یادآور می شوند که:

«این یکی از نیرنگ های استعمار است که می خواهند مجدداً روحانیت را که عامل مؤثری برای بسیج

نیروها و پیروزی انقلاب است، از مردم جدا کند و امیدواریم قشر روشنفکر و تحصیل کرده ما، قشر

تحصیل کرده با ایمان و مبارز هوشیار باشد و این توطئه را بشناسد».

چرا این سیدجلیل القدر متواضع، انحصارطلب قلمداد می شود؟ واقعیت این است که با پیروزی انقلاب اسلامی، جریان های مختلفی برای جلوگیری از حاکمیت اسلام به مقابله برخاستند. عده ای به دنبال دموکراسی غربی احکام اسلامی را مربوط به گذشته دانستند و حتی به قانون قصاص اسلامی حمله کردند. گروهی دیگر مانند نهضت آزادی، دین را منحصر به زندگی فردی دانستند و حاکمیت افراد مسلمان را نهایت آمال خود گرفتند. در این میان کسی که با دقت، ظرافت و صراحت به تبیین مواضع اسلام پرداخت و در پایه ریزی حکومت اسلامی مجاهدت نموده و با قاطعیت از این دستاورد حفاظت نمود آیت... بهشتی بود. افراد تیزبین توان ایشان در سازماندهی حرکات مؤثر پیش از انقلاب و همچنین مدیریت عالی در اداره مجلس خبرگان را به وضوح دیده بودند و نقش اساسی ایشان در تصویب اصل مترقی ولایت فقیه را می دانستند. شهید مظلوم با تیزبینی و هوشیاری ترندهای دشمن را شناسایی می کرد و ضمن اتخاذ بهترین تدابیر، با بیانی ساده و شیوا مردم را آگاه می ساخت. آن هنگام که بنی صدر با تکیه بر ۱۱ میلیون رأی در صدد

تحکیم پایه‌های قدرت خویش و انحراف انقلاب از مواضع اصولیش بود، مؤثرترین اقدامات از جانب این شهید بزرگوار صورت گرفت. لذا همان‌گونه که بهشتی چشم بیدار، ذهن هوشیار و زبان بُزای دوستان انقلاب محسوب می‌شد خارچشمی برای دشمنان بود. بدین جهت، هنگامی که یارای مقابله در خود ندیدند به ترور ایشان روی آوردند. ابتدا ترور شخصیت که با برخورد هوشیارانه دکتر نتوانست تمام خواسته‌های آنان را برآورده سازد به طوری که در آخر، این یاور اسلام و امام را به شهادت رساندند.

به‌رحال به تعبیر شهید عزیز دکتر باهنر، «با این انفجار همه پرده‌های تیره از چهره شهید عزیزمان و همچنین همه نهادهای این خط برداشته شد».

در دوران پس از انقلاب اسلامی، بهشتی مظلوم اول بود. خون بهای این سید مظلوم و سایر شهدای هفتم تیر همان‌طور که خود او گفت این است که مردم ما دیگر هرگز فریب تبلیغات بدخواهان را نخورند. اگر این مصونیت برای ملت ما پیدا شود، در حقیقت خون بهشتی بزرگترین ثمره ممکن را بخشیده است.

چنان‌که می‌دانیم دشمن ابتدا شخصیت را ترور می‌کند و سپس شخص، این کاری است که با آیت ... بهشتی شد و او در اوج مظلومیت به شهادت رسید.

به‌راستی امروز دیگر در جامعه ما ترور شخصیت انجام نمی‌شود؟ آیا وقایع گذشته نباید درس خوب و مفهومی برای حوادث و اتفاقات امروز باشد؟ مگر بهشتی را با کدامین حربه‌ها می‌کوبیدند؟ مگر او را مقام طلب و طالب قدرت و خواستار جریان انحصاری قدرت نمی‌دانستند؟ هنوز هم همگی ما باید تبلیغات روزنامه انقلاب اسلامی و صدها جریده دیگر که در آن زمان منتشر می‌شد را به یاد داشته باشیم. آیا بهشتی را سرمایه‌دار و صاحب منزل هفت میلیون تومانی در قلعهک نمی‌نامیدند؟

آری جبهه مخالف با استفاده از تبلیغات قوی هر چه خواست گفت و نارواها یافت و بهشتی مظلوم بزرگ زمان، همچنان مهر سکوت بر لب ماند تا آنجا که بعضی از ساده‌لوحان سکوتش را حمل بر قبول او کردند و اکنون بر ماست که از این جریان عبرت بگیریم و پند بیاموزیم که امروز نیز شعار انحصارطلبی روحانیت مطرح و از بسیاری از روزنامه‌ها و تریبون‌ها تبلیغ می‌گردد. آری امروز نیز تبلیغات هنوز یکی از قوی‌ترین شیوه برای کوبیدن افراد است و بر ملت مسلمان و بیدار ما فرض است که از مظلومیت بهشتی و یارانش پند بیاموزند چرا که امروز نیز هنوز روزنامه‌ها و جرایدی نظیر روزنامه انقلاب اسلامی به کار تخریب و ترور شخصیت افراد مشغولند.

فصل سوم: شهید بهشتی از دیدگاه امام و مقام معظم رهبری

در این قسمت به‌عنوان تیمن کلام به بیان گوشه‌هایی از شخصیت شهید مظلوم بهشتی از دیدگاه امام خمینی رضوان ... تعالی علیه و مقام معظم رهبری می‌پردازیم:

«از آقای دکتر بهشتی می‌ترسند برای این که یک فرد لایقی است و آنها نمی‌خواهند این‌طور افرادی باشند. می‌خواهند او را هتک بکنند و ساقطش بکنند. من بیست و چند سال است ایشان را از نزدیک می‌شناسم. اینها مردمی هستند که برای اسلام کار می‌کنند».

«از سخنان امام خمینی (ره) در دیدار با اعضای دادگاه‌های انقلاب اسلامی ۱۳۵۸/۷/۲۱».

«من او را یک فرد متعهد، مجتهد، متعهد متدین علاقه‌مند به ملت، علاقه‌مند به اسلام و به درد بخور برای

جامعه خودمان می دانستم».

«سخنرانی امام خمینی (ره) در جمع اعضای جهاد سازندگی ۱۳۶۰/۴۸».

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت ا... خامنه‌ای نیز تعابیر زیبایی درباره شخصیت شهید مظلوم بهشتی دارند که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

«مرحوم شهید بهشتی یکی از آن شخصیت‌هایی بود که یک حالت استثنایی در آنها مشاهده می‌شود».

«... او دارای فکر بلندی بود، مغزقوی و فعالی داشت، علاوه بر این دارای اراده و روحیه ممتازی بود، بر خود و احساسات خویش شدیداً غالب بود».

«... این مرد، مردی شدیداً متعبد بود. یعنی دین و شریعت را به درستی و از بن دندان قبول داشت، با کمال خلوص و صمیمیت قسمت عامل به شرع و معتقد به دین بود. از تظاهر، ریاکاری و از کارهایی که برخلاف صمیمیت و خلوص هست شدیداً بیزار و رویگردان بود، خودش این صفات را نداشت و از هر کسی که دارای این صفات بود بدش می‌آمد» ...

از جمله خصوصیات آقای بهشتی این بود که کارها را از بنیان شروع می‌کرد. با رژیم هم که مبارزه می‌کرد، مبارزه‌ای بنیانی بود.

بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد به خاطر این که در دوران زندگیش کسی به عمق و والایی شخصیت این مرد پی نبرد... اما این که خار چشم دشمنان بود به خاطر این که با وجودی که این مظلومیت در او وجود داشت بر اثر خونسردی و حلم و تسلط بر اعصاب که در او به وفور مشاهده می‌شد هرگز دچار حالت عکس‌العمل انفعالی نمی‌شد و موضع‌گیرهایش بسیار دقیق و صحیح و عاقلانه بود و خود همین امر موجب می‌شد که دشمن بیشتر از ناحیه او ضربه بخورد.